

## چند پیام از آن سوی آمو

«جشن نامه عینی»<sup>۱</sup>

مجموعه مقالاتی با همین عنوان در شهر دوشنبه، پایتخت جمهوری تاجیکستان، توسط انتشارات «دواشتیچ» در سال ۲۰۰۳ م. چاپ و نشر شده که یازده مقاله و یک سفرنامه را در بر دارد.

در آغاز کتاب، رئیس فرهنگستان علوم تاجیکستان، دکتر الماس میرسعیدوف این واقعت را به قلم داده (ص ۳-۹) که علامه صدرالدین عینی که بنیان‌گذار ادبیات دوره شوروی تاجیک است، همزمان بنیان‌گذار علم و فرهنگ نوین ما نیز به شمار می‌آید. این بزرگمرد مهم‌ترین رسالت خود را در این دید که مردم را با شخصیت‌های بزرگ پیشین آشنا کند. وی در سال ۱۹۲۵ م. سخن از آدم‌الشعرا رودکی سمرقندی به میان آورد؛ سالی بعد تذکره جامع «نمونه ادبیات تاجیک» را به چاپ رساند؛ به دنبال آن کتاب و رساله‌هایی درباره ابوعلی ابن‌سینا، فردوسی، سعدی، مقنع، تیمور ملک، بیدل، واصفی، و... منتشر کرد.

دکتر غفار عاشور سخن از نهضت معارف پروری به میان آورده، جایگاه استاد عینی را در جریان این حادثه پیچیده نشان داده است (ص ۱۰-۳۶). گفتنی است، جنبش جدیدها که به دنبال نهضت معارف پروران تشکل می‌یابد، به ویژه در ده سال اخیر از طرف پژوهشگران خودی و بیگانه مورد ارزیابی‌هایی، گاه مغرضانه، قرار گرفته که استاد غفار عاشور توانسته چندی از

نکته‌ها را روشن کند.

پروفسور خداینظرخان عصازاده سخن از جایگاه شادروان ساتم خان آغ‌زاده به میان آورده، نشان داده است که این استاد بزرگ نثر بیدعی تاجیک، پس از صدرالدین عینی جای دوم را به خود اختصاص داده است (ص ۳۷-۴۷). وی این جایگاه بلند را به دنبال آن به دست آورده که در «مکتب عینی» با کمال دقت تحصیل کرده است، چه بی‌واسطه، و چه به واسطه.

در نوشته‌های دکتر غفار جوهره‌یف «استاد صدرالدین عینی و تدوین لغت لهجه‌های زبان تاجیکی» (ص ۴۸-۵۶)، دکتر الم خان کوچروف «چند ملاحظه از فعالیت محرری صدرالدین عینی» (ص ۸۶-۹۳) و آقای چاری‌یف راجع به مترادفات در آثار عینی (ص ۱۰۰-۱۰۵) مسئله‌های زبانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

دکتر محمد یوسف اماموف در مقاله «تجربه حیات و تشکل شخصیت نویسنده» (ص ۵۷-۶۵) زیرکانه پی برده که آنچه در «مختصر ترجمه حال خودم»، «یادداشتها» و بعضی نوشته‌های دیگر خود گفته است، از حقیقت حال تفاوتی دارد و این معنی را از خلال اشاره‌های دورادور عینی می‌توان یافت. مطلب دکتر پیوند گل مراد «شهامت عینی» (ص ۶۶-۸۵) از جمله ارزشمندترین مطالب در این کتاب به شمار می‌آید. مؤلف کوشیده تا بزرگی واقعی آن بزرگمرد را اعتمادبخش نشان بدهد. یکی از نکته‌هایی که استاد گل مراد توجهی ویژه ظاهر کرده، نظر عینی است به همبستگی سیف و قلم. مؤلف



بلندتر به جلوه می‌گذارد (ص ۱۰۶-۱۱۲). عینی در دو مقاله خود: «طالب علمان ما در خارجه چه حال دارند؟» و «باز درباره طالب علمان در خارجه بوده ما» که ماه دسامبر سال ۱۹۲۳ م. در روزنامه زرافشان به فاصله هفده روز به چاپ رسیده‌اند، موضوع بسیار جدی تحصیل و شرایط زندگی شاگردان در خارجه بوده را مطرح کرده است. مؤلف مقاله در پایان مطلب خود، از گذشته به حال می‌آید و می‌گوید: «اگر استاد عینی زنده می‌بود، امروز هم به اهل جامعه ما مراجعت نموده می‌گفت: هرچقدر توانید، به مکتب و معارف یاری رسانید، آینده جمهوری امان، استحکام استقلالیت آن، بلند برداشتن معنویت مردم به سوادناکی وابسته است. جوانان صاحب استعداد را دستگیری کنید، آنها را به خواندن فرستید. نگذارید که متخصصان ورزیده از جمهوری کوچ بندند. نگذارید که تاجیکان در غربت عمر به سربرند، در صورتی که وطن به عقل و ذکاوت و دست و بازوی آنها احتیاج دارد» (ص ۱۱۲).

میرزا عبدالواحد برهان زاده منظم از نزدیک‌ترین همفکران عینی بود و دکتر همراه قل شادی قل وف موضوع «درد و آرمانهای خلق و کشور در نظم عبدالواحد منظم» را مورد بحث و بررسی قرار داده است (ص ۱۱۳-۱۳۵). این شاعر که از فعالان روشنفکر نهضت جدیدیه بود، باراهایی، از جمله شعرهایش، مردم را به بیداری و روشنایی دعوت می‌کرد، چنان که در تضمینی از خواجه حافظ می‌گوید:

تکه‌هایی از سخنان عینی را آورده که یک جمله از آن این است: «اگر ما شرف خواهیم، اگر ما ناموس خواهیم، اگر ما عزت و آبروی خواهیم، اگر ما حقوق خواهیم، به عباره کوتاه اگر ما حیات خواهیم، باید که فرصت نگذارانیده، چنگ به دامان سیف و قلم زنیم» (ص ۷۰).

دایره توجهات عینی به غایت گسترده بوده، حتی موسیقی از آن بیرون نمانده که الف. ژیدوف در مقاله «استاد عینی و آموزش مسایل موسیقی اجرایی» (ص ۹۴-۹۹) همین موضوع را بررسی کرده است.

خانم دکتر خورشیده آته خان آوا که دو مقاله استاد عینی را پیدا کرده، و به طور مفصل مورد تحقیق قرار داده است، اخباری به قلم می‌دهد که جایگاه بس بلند عینی را باز هم

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را  
به زیر پای او قربان کنم شاه بخارا را  
سخن از مطرب و معشوق و می خوردن مکن، برخیز  
که از ظلم امیران پاک گردانیم دنیا را  
و در مقطع می گوید:

غزل گفتی و در سفتی، بیا و خوش بخوان حافظ  
که بیداری دهی خوابندگان دار دنیا را  
(ص ۱۲۶-۱۲۷)

بخش پایانی در کتاب مورد نظر، یادداشتهای سفری است که استاد عینی سال ۱۹۳۶ م. به خجند باستانی انجام داده. دکتر عثمانجان غفاروف مطبوعات آن سالها را با دقتی تام دیده، همه مطالب موجوده را گردآورده، و تفصیلات آن مسافرت را مدققانه به قلم داده است (ص ۱۳۶-۱۴۹).

#### «ادب»

اکنون در تاجیکستان مجله و روزنامه‌های بسیاری چاپ و نشر می‌شوند. یکی از نشریه‌های موفق که مطالب ارزشمند به چاپ می‌رساند و جایگاهی شایسته در درون و بیرون از کشور پیدا کرده، ادب است.

مجله علمی و معرفتی و تعلیمی ادب نشریه وزارت معارف (آموزش و پرورش) جمهوری تاجیکستان بوده، با سردبیری دکتر شادی شاکرزاده به چاپ می‌رسد.

شماره یکجایه یکم و دوم (از سال ۲۰۰۳ م) که دسترس گردید، در ۶۴ ص، بیش از پانزده مطلب مهم را در بردارد. در بخش نخست که «پژوهش» عنوان دارد، پنج مقاله را به چاپ رسانده:

۱- پروفیسور عبدالمنان نصرالدین «نگاهی به یک سرچشمه اصیل زبان فارسی تاجیکی».

این مقاله زبان ترجمه‌های فارسی قرآن مجید را بررسی کرده است. نویسنده نگاهی به زبان ترجمه «تفسیر طبری»، «تفسیر سوراآبادی»، «تاج التراجیم» افکنده، و اما «تفسیر ابوالفتوح رازی» را به طور کامل بررسی کرده است. نویسنده در پایان مقاله خبر داده که: «در تاجیکستان در این ده سال آخر چهار ترجمه به فارسی تاجیکی صورت گرفته، نمونه‌هایش در مجله و روزنامه‌ها و بعضی جزوهایش به نمود کتاب ویژه به طبع رسیده است» (ص ۶). افزودنی است، یکی از این چهار ترجمه «تفسیر زرنگار» عنوان داشته و منظوم بوده (حصار شادمان، ۱۹۹۶ م، در ۶۱۴ ص) که دکتر سیدعلی سیدانجام داده، همزمان با دو خط: فارسی و تاجیکی به چاپ رسیده است.

۲- دکتر کامل جان سیدعالم در مقاله «سلطان ولد و رباب نامه او» تاریخ سرایش این منظومه مشهور را به قلم داده (ص ۷-۹).

۳- دکتر اسدالله صوفی زاده سببهای شهرت و انتشار بیت‌های مردمی را نشان داده، همزمان مثالهایی آورده که سروده‌های شاعران مشهور نیز به آثار مردمی بدل شده‌اند.

۴- دکتر شادی خان یوسف بیک مطلبی به قلم داده، با این عنوان: «بدخشان - منبع علم و عرفان».

۵- دکتر پیرمحمد نورزاده: در مقاله «اصطلاح و زبان»

راههایی درباره اصطلاح سازی نشان داده است، همراه با مثالهایی.

«بیاید، به اندیشه پردازیم»، «بیاموزیم، تایاموزانیم»، «انجمن آرا»، «منبر متخصص»، «کاشانه مهر»، «راهنمای خرد» و «شیوه آموزش» از دیگر بخشها به شمار می‌آیند.

از ویژگیهای ممتاز ادب این است که خواننده و پژوهنده را به میدان بحث و اندیشه نیز می‌کشد. نوشته دکتر نورمحمد ظهوری «یک قرن بی فرهنگی و قومی فرهنگ زدا» (ص ۱۸-۲۳) در همین گوشه به چاپ رسیده است.

این مجله تقریباً در هر شماره گفت و گوهایی با دانشمندان و آموزگاران و شخصیت‌های ناشناخته انجام می‌دهد. در این شماره استاد دانشگاه پزشکی بوعلی سینا، پروفیسور شیر علی رجب علی یف سخن می‌گوید (ص ۳۱-۳۵).

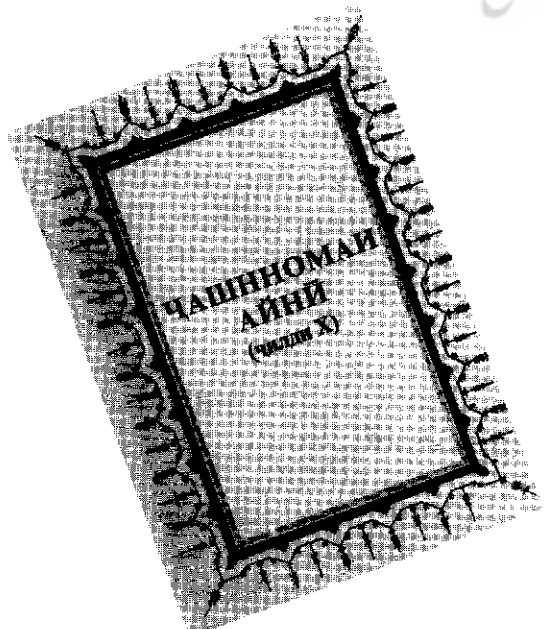
همین طور، مطالبی از نورالله میرزا احمد (ص ۳۶-۳۸)، بحرالدین جمعه یف (ص ۳۹-۴۰)، اسکندر علیم وف (ص ۴۱-۴۲)، و... به چاپ رسیده.

تقریباً در هر شماره ادب ایران و ایران شناسان حضور پیدا می‌کنند. در ص ۲۴ تا ۳۰ مطلبی از شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب درباره قطران تبریزی و مقاله‌ای از دکتر دادخدا کریم شایف و دکتر شاکرزاده درباره ایران شناس بزرگ روس، استاد دانشگاه سن پترزبورگ، پروفیسور نیکولای بگولیوبوف به چاپ رسیده است.

#### کتابی از شعر ۳

این کتاب که چندسال پیش چاپ و نشر شده است، اگرچه دیر دسترس گردید، چون ارزشمند به نظر رسید، حیف بود معرفی نشود.

استاد شاه زمان رحمان وف که در شمار پژوهشگران خوشکار معاصر تاجیک می‌آید، چند کتاب مهم تألیف کرده است. از ویژگیهای کار او این است که بیشتر به تحقیق



مسئله‌های نظریات ادبی می‌پردازد.

مؤلف در این کتاب کار خود را از بررسی انواع شعر آغاز کرده است. وی این نکته را به قلم داده که همه انواع شعر ماز دایره همین چهار واحد: «بیت»، «بند»، «آمیزه بیت و بند» و «شعر آزاد» بیرون نبوده است. می‌گوید: «شعر عجم در تمام طول تاریخی رشد خود از همین چهار واحد بیرون نرفته، هرچه مزیتی که داشت، در همین چهار واحد برگزار کرده است» (ص ۶). پس از تفسیر «بیت»، نگارنده به شرح «مسمط» می‌پردازد و از مسمطهای منوچهری، قطران، سوزنی، سنایی، خواجه و دیگران یاد می‌کند (ص ۷).

پروفیسور رحمان وف به این پدیده مهم توجه کرده که هنگام بزرگداشت بزرگانی، مانند فردوسی (سال ۱۹۳۴ م؛ ۱۹۹۴ م)، رودکی (۱۹۵۸ م)، نظامی (۱۹۴۷ م)، جامی (۱۹۶۴ م)، عینی (۱۹۷۸ م)، ابن سینا (۱۹۸۰ م)، نور سون زاده (۱۹۸۱ م)، لاهوتی (۱۹۸۷ م)، شیخ کمال (۱۹۹۶ م) در تاجیکستان پهلوهای گوناگون انواع خرد ادبی بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند (ص ۱۰). نکته مهم دیگر همین است که مؤلف به سیر تحول تحقیق انواع ادبی توجه کرده؛ نگاه پژوهشگرانی را مانند رجب امان وف، عظیم جان امین زاده، واحد اسراری، بانو نظیره کرامت الله یوا، سعدان شاه امران وف، و... نشان داده است (ص ۱۱-۱۲).

موضوع شعر آزاد به طوری جداگانه بررسی شده است. نویسنده درست گفته که توجه به شعر آزاد در تاجیکستان، به ویژه پس از سمپوزیوم شعر فارسی (دوشنبه، ۱۹۶۷) سرعت پیدا کرد.<sup>۴</sup> به دنبال آن کتاب و مقاله‌های عسکر حکیم، یوسف اکبروف، سبحان دوران وف، محمدجان شکوری، خانم ژاله بدیع و دیگران به میدان آمدند (ص ۱۴-۱۵). دکتر رحمان وف درباره قصیده خیلی مفصل توقف کرده، دلیل رشد و علت شکست آن را با مثالهای فراوان نشان داده است (ص ۱۷-۳۵) که پذیرفتنی است.<sup>۵</sup>

اقدام دیگری که مؤلف برداشته، بررسی و جمع‌بندی اندیشه و ملاحظه‌هایی است که در مطبوعات از طرف پژوهشگران معاصر درباره وضع ادبی روز به چاپ رسیده‌اند (ص ۳۵-۴۷). در فصل «دیگرگونیه در ساختار شعر معاصر» (ص ۴۷-۷۲) هم شعر تاجیکی و هم شعر معاصر فارسی در مقایسه سنجیده شده است. مؤلف به طور مثال تکه‌های شعری بسیار آورده است که این یک بند از بهار است، برای نمونه مسمط مربع مستزاد:

باشه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران با خداست

مذهب شاهنشیه ایران ز مذهبها جداست

کار ایران با خداست

شاه مست و میر مست و شحنه مست و شیخ مست

مملکت رفته زدست

هر دم از دستان مستان فتنه و غوغا بیاست

کار ایران با خداست

(ص ۷۳-۷۴)

در بخش «پیروان شعر آزاد و نیما» (ص ۷۷-۸۸) از شعر نیمایی سخن به میان آمده، شعرهای نوپردازانه پیرو، یوسفی، دهاتی، رحیمی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به گفته مؤلف از سروده‌های لایق، بازار، گل نظر، گل رخسار، حبیب‌الله فیض‌الله، یادگاری و دیگران «بوی خوش شعر نیمایی به مشام می‌زند» (ص ۸۷). مؤلف، این نکته مهم را نیز به قلم داده که شاعر نوآور استاد صدرالدین عینی است؛ نخستین شعرهای مضموناً نو را از سال ۱۹۰۵ م. سروده و در سال ۱۹۱۸ م. شعر مشهوری سروده که نشانه‌های سه وزن را دارد (ص ۸۴).

«نظم و نثر: بهره‌برداری از همدیگر» (ص ۸۸-۹۹)، «پیوند شعر و نثر موزون» (ص ۹۹-۱۱۱)، «شعر غنایی و حادثه‌های تازه ادبی» (ص ۱۱۱-۱۱۶)، «سلسله و سلسله‌بندی» (ص ۱۱۶-۱۲۰)، «جنبه‌های علمی و فلسفی شعر» (ص ۱۲۰-۱۲۳) از بخشهای دیگر این کتاب ارزشمند و خواندنی هستند.

#### پانوشتها:

۱. Jashnname-i Ayni. -- Dushanbe, 2003 ; 150 s.

۲. درباره عینی از جمله نک: پیشگفتار سعیدی سیرجانی؛ صدرالدین عینی. یادداشتها، تهران: آگاه، ۱۳۶۱؛ رحیم مسلمانیان قبادیانی. زبان و ادب فارسی در فرارود. تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹-۱۲۲؛ همو: علامه عینی و ادبیات فارسی تاجیکی، قوار، ویژه‌نامه پژوهشی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹-۱۰۴؛ همو: ارزشمندترین اثر علمی تاریخی علامه عینی، بخارا، ۱۳۸۱، شماره ۲۷، ص ۲۲۳-۲۱۸.

3. Shahzaman Rahmanav. Sukhane chand az lirika-i farsi-i tajiki.

Dushanbe: sharq-i azad, 1999.

۴. درباره این همایش نک: دکتر پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن،

ج ۱. تهران: توس، ۱۳۶۷، ص ۳۷۰-۴۳۰.

۵. درباره انواع شعر نیز نک: رحیم مسلمانیان قبادیانی. شعر در

سرچشمه‌های نظری، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۷.

